

پس انداز

عموی من یه آشپزه
هر نوع غذایی می پزه
حلیم و آش، شله و سوپ
چلو کباب خوشمزه

روزایی که کار ندارم
منم میرم آشپزخونه
هر کاری که عمو میگه
انجام میدم بی بهونه

آشپزی که تموم می شه
عمو به من، حقوق می ده
یه اسکناس، ظرف غذا
گاهی با ماست و دوغ می ده

فردا من و بابا می ریم
تو بانک، حساب باز می کنم
از این به بعد، من پولامو
اون جا پس انداز می کنم

